

## آثار حضور نیروی کار افغانی بر شاخصهای اجتماعی - اقتصادی جامعه کشاورزی ایران مطالعه موردی استان خراسان

ناصر شاهنوشی، دکتر سیماوش دهقانیان، دکتر محمود دانشور، محمد قربانی\*

### چکیده

با توجه به دیدگاه دوگانه موجود در زمینه آثار حضور کارگران کشاورزی افغانی بر جامعه کشاورزی، ضرورت دارد آثار حضور نیروی کار افغانی بر شاخصهای اجتماعی - اقتصادی جامعه کشاورزی، کمی شده و مورد بررسی قرار گیرد. از این رو مطالعه‌ای میدانی در سال ۱۳۷۷ بر روی ۱۶۲ واحد کشاورزی انجام گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که حضور نیروی کار کشاورزی افغانی، عملاً مهاجرت نیروی کار کشاورزی خانوادگی را در پی نداشته ولی زمینه مهاجرت خانوارهای روستایی بدون زمین (کارگران کشاورزی) را فراهم آورده است. افزون بر آن، روی شاخصهای بهره‌وری و کارایی و بازاررسانی محصولات کشاورزی نیز

---

\* اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

تأثیر چندانی نداشته، ولی بر گزینه‌های ارزشی، رفتاری و کیفیت زندگی تأثیر منفی داشته است. در مجموع می‌توان گفت برآیند آثار حضور کارگران کشاورزی افغانی بر جامعه کشاورزی استان خراسان منفی بوده است. با توجه به یافته‌های این مطالعه، به منظور حفظ امنیت و آرامش در روستاها، جلوگیری از مفاسد اجتماعی و مسخ ارزشها و نیز ساماندهی نیروی کار کشاورزی داخلی، باید گفت که خروج کامل کارگران کشاورزی افغانی و خانوارهای آنها از عرصه روستا امری ضروری است.

### مقدمه

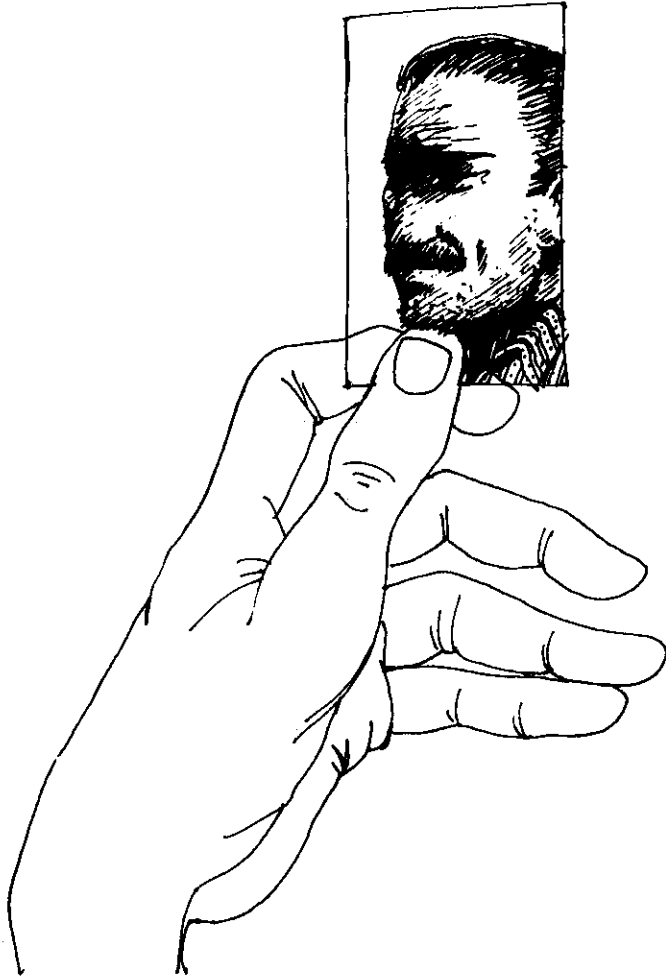
به کارگیری نیروی کار مهاجر، برخاسته از دو عامل تراکم و حجم عملیات کشاورزی و کمیابی نیروی کار روستایی است. مهاجرت نیروی کار خارجی محصول فرایند کمیابی نیروی کار در کشور دریافت‌کننده (مقصد) و فراوانی آن در کشور فرستنده (مبدأ) است (۳، ۴، ۵ و ۷). البته باید توجه داشت که در ایران جذب نیروی کار افغانی محصول فرایند پیشگفته نیست، بلکه پدیده‌ای ورای نظریه‌های مهاجرت نیروی کار بوده که پس از ورود، توانسته است تأثیری بر بخش کشاورزی بویژه بر کارگران کشاورزی ایران داشته باشد. در جذب این نیروی کار، عامل سومی نیز دخالت داشته و آن سطح دستمزدهاست که در تعیین نوع نیروی کار (ایرانی - افغانی) نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است.

حضور نیروی کار افغانی در عرصه روستاها و فعالیتهای بخش کشاورزی استان خراسان، دو دیدگاه کلی را پدید آورده است. در دیدگاه نخست این اعتقاد وجود دارد که حضور کارگران کشاورزی افغانی در روستاها ممکن است با برخی کنشها و واکنشها همراه بوده و سبب پدید آمدن تغییراتی در رفتارها، ارزشها، هنجارهای اجتماعی، ساختار تولید کشاورزی و گزینه‌های اقتصادی بخش روستا شود. برخی از این تغییرات موقتی است و از فرایند برگشت‌پذیری پیروی می‌کند و برخی نیز در بافت روستا و ساختار تولید محصولات کشاورزی ماندگار می‌شود. این در حالی است که در دیدگاه دوم چنین اعتقادی وجود ندارد. به بیان دیگر،

تأثیر حضور کارگران افغانی بر شاخصهای اجتماعی - اقتصادی جامعه کشاورزی خنثی فرض می‌شود. در واقع این حضور تنها فیزیکی تلقی شده و آثاری را برای آن قائل نمی‌شوند. با توجه به دو دیدگاه پیشگفته و نیز طرح دولت مبنی بر خروج کامل کارگران افغانی، ضرورت دارد آثار این حضور کمی شود؛ به دیگر سخن مشخص شود که حضور کارگران کشاورزی افغانی بر گزینه‌های رفتاری و ارزشی چه تأثیری داشته و آیا این حضور توانسته است بر شاخصهای بهره‌وری و کارایی واحدهای کشاورزی، مهاجرت و کیفیت زندگی روستاییان تأثیر داشته باشد؟ بدیهی است با شناخت و آگاهی از پاسخ این پرسشها اولاً دو دیدگاه ارائه شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ درثانی امکان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مطلوب برای ساماندهی یا خروج نیروی کار افغانی فراهم می‌آید. درواقع اطلاعات و یافته‌های به دست آمده از این پژوهش می‌تواند ابزار مناسبی در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد تا با آگاهی و شناخت لازم بر آثار چنین حضوری، زمینه رشد و توسعه بخش کشاورزی را فراهم آورند. هدف این تحقیق، بررسی آثار حضور نیروی کار افغانی بر شاخصهای اجتماعی - اقتصادی جامعه کشاورزی استان خراسان است.

## مواد و روشها

آمار و اطلاعات مورد نیاز این مطالعه، با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای از سطح ۷۱ روستای شهرستانهای تایباد (۱۱ روستا)، تربت جام (۱۵ روستا)، بیرجند (۲۲ روستا)، مشهد (۷ روستا)، خواف (۱۰ روستا) و نهبندان (۶ روستا) جمع‌آوری شد. در این مطالعه تعداد ۱۶۲ واحد کشاورزی در شهرستانهای یادشده انتخاب و با بهره‌گیری از پرسشنامه و مصاحبه با مدیران واحدهای انتخاب شده، داده‌های اولیه مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل گردآوری شد. همچنین با استفاده از طیف لیکرت، شاخصهای مورد نیاز ساخته شده و در نهایت داده‌ها، با بهره‌گیری از آزمونهای ناپارامتری<sup>۲</sup> و آماره‌های توصیفی فراوانی و درصد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.



## نتایج و بحث

### ۱. مشارکت نیروی کار خانوادگی در امور مزرعه

در زمینه مشارکت نیروی کار خانوادگی در امور مزرعه، باتوجه به حضور (جذب) نیروی کار مهاجر، سه دیدگاه کلی زیر وجود دارد:

- ۱) ارزان بودن نیروی کار مهاجر سبب مهاجرت نیروی کار خانوادگی از بخش کشاورزی و جذب آن به دیگر بخشها و پرداختن به اموری غیر از کشاورزی می شود.
  - ۲) مهاجرت نیروی کار خانوادگی انجام نمی گیرد ولی میزان مشارکت آن کاهش می یابد.
  - ۳) این دیدگاه معتقد به مشارکت کامل در امور مزرعه است؛ زیرا جذب نیروی کار مهاجر به دلیل دستمزد پایین آنها نبوده بلکه برگرفته از کمیابی نیروی کار است.
- باتوجه به مطالب بالا، برای مشخص شدن وضعیت مشارکت نیروی کار خانوادگی در امور مزرعه، از آنها پرسیده شد: «آیا باتوجه به جذب نیروی کار افغانی، نیروی کار خانوادگی در امور مزرعه مشارکت داشته است؟». نتایج مربوط به این ارزیابی در جدول شماره ۱ به طور خلاصه آورده شده است. اطلاعات این جدول نشان می دهد که ۵۵/۳ درصد از مدیران واحدهای کشاورزی مورد مطالعه، به این پرسش پاسخ مثبت و ۴۴/۷ درصد پاسخ منفی داده اند. همچنین مقدار آماره ۲ نشان می دهد که اختلاف موجود معنیدار نیست. به دیگر سخن، رابطه معنیداری میان جذب نیروی کار مهاجر و مشارکت نیروی کار خانوادگی در امور مزرعه وجود نخواهد داشت. نکته دیگر اینکه باتوجه به بی معنی شدن آزمون ۲ نتیجه مربوط تعمیم ناپذیر به کل جامعه آماری است.

## جدول شماره ۱. مشارکت نیروی کار خانوادگی در امور مزرعه در حضور نیروی کار افغانی

نوع پاسخ	فراوانی	درصد	$\chi^2$
بلی	۸۴	۵۵/۳	
خیر	۶۸	۴۴/۷	۱/۶۸ <sup>NS</sup>
کل	۱۵۲	۱۰۰	

NS: بی معنی

### ۲. مهاجرت نیروی کار خانوادگی

به طور مشخص، به کارگیری نیروی کار مهاجر، برخاسته از دو عامل تراکم و حجم عملیات کشاورزی و کمیابی نیروی کار روستایی است. مهاجرت نیروی کار خارجی محصول فرایند کمیابی نیروی کار در کشور دریافت کننده (مقصد) و فراوانی آن در کشور فرستنده (مبدأ) است. البته باید توجه داشت که در ایران جذب نیروی کار افغانی محصول فرایند پیشگفته نیست، بلکه پدیده‌ای ورای نظریه‌های مهاجرت نیروی کار بوده که پس از ورود، توانسته است تأثیری بر بخش کشاورزی بویژه بر کارگران کشاورزی ایران داشته باشد. در جذب این نیروی کار عامل سومی نیز زیرعنوان دستمزدها، دخالت داشته که در تعیین نوع نیروی کار (ایرانی - افغانی) نقش تعیین کننده‌ای ایفا کرده است.

اندک بودن دستمزدهای نیروی کار افغانی در مقایسه با نیروی کار ایرانی، سبب شده است تا در برخی از واحدهای کشاورزی، مهاجرت نیروی کار خانوادگی انجام گیرد؛ زیرا نیروی کار آزاد شده می‌تواند با دستمزدهای بالاتر و درآمدهای انتظاری مطلوب‌تر در شهرها و در بخش صنعت به کار گرفته شود. اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در ۲۶/۹ درصد از واحدهای مورد مطالعه، مهاجرت نیروی کار خانوادگی صورت گرفته، در حالی که در ۷۳/۱ درصد از واحدهایی که زمینهای زراعی کمتر داشته‌اند، مهاجرت نیروی کار انجام نگرفته است. مقدار آماره کولموگروف - اسمیرنوف (K-S)، وجود اختلاف معنیداری را میان فراوانیهای تجمعی

مورد انتظار و مشاهده شده، تأیید می‌کند. بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که با جذب نیروی کار مهاجر افغانی، در بیشتر واحدها مهاجرت نیروی کار خانوادگی انجام نگرفته است. این مطالعه همچنین نشان داده که میانگین نرخ مهاجرت نیروی کار خانوادگی در واحدهای زیربررسی، ۴/۶ نفر بوده است.

### جدول شماره ۲. مهاجرت نیروی کار خانوادگی در حضور نیروی کار افغانی

نوع پاسخ	فراوانی	درصد	K-S
بلی	۴۲	۲۶/۹	
خیر	۱۱۴	۷۳/۱	۵/۷۲*
کل	۱۵۶	۱۰۰	

\*: بی‌معنی

### ۳. مهاجرت روستاییان

یکی از آثار جذب نیروی کار افغانی، تأثیری است که بر مهاجرت خانوارهای روستایی دارد. با جذب نیروی کار افغانی در امور کشاورزی، کارگران روستایی فرصتهای کمتری برای جذب خواهند داشت زیرا دستمزدهای نیروی کار افغانی پایینتر از نیروی کار روستایی داخلی (ایرانی) است. همچنین تعدادی از کارگران روستایی بدون زمین، که تنها منبع درآمد آنها کار در امور کشاورزی است، با از دست دادن چنین فرصت شغلی، اقدام به مهاجرت می‌کنند. در واقع نیروی کار روستایی با دستمزد نیروی کار افغانی نمی‌تواند فعالیت کند زیرا توانایی تأمین هزینه‌های زندگی را ندارد. از آنجا که کارفرمایان واحدهای کشاورزی، در پی حداکثر کردن سود واحد خود هستند، به دلیل دستمزد پایین نیروی کار افغانی، از آنها استفاده می‌کنند. در نتیجه، این دو عامل، مهاجرت خانوارهای روستایی بدون زمین (کارگران روستایی) را به شهرها برای اشتغال در امور ساختمانی و صنعت شدت می‌بخشد.

جدول شماره ۳ ارزیابی مهاجرت روستاییان را در حضور نیروی کار افغانی در استان خراسان نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، ۷۲/۵ درصد از مدیران واحدهای کشاورزی مورد مطالعه، تأثیر حضور نیروی کار افغانی را بر مهاجرت روستاییان مثبت و تنها ۲۷/۵ درصد منفی ارزیابی کرده‌اند. میزان مهاجرت صورت گرفته در ۱۷/۷ درصد از موارد پاسخ داده شده، خیلی کم، ۲۴/۲ درصد کم، ۴۶/۸ درصد متوسط، ۹/۷ درصد زیاد و ۱/۶ درصد خیلی زیاد عنوان شده است. مقادیر آماره ۲ در زمینه انجام مهاجرت و میزان آن، وجود اختلاف معنیداری را نشان می‌دهد. بنابراین، حضور نیروی کار افغانی در بخش کشاورزی استان خراسان مهاجرت روستاییان را شدت بخشیده است. براساس اطلاعات این پژوهش میانگین مهاجرت خانوارهای روستایی در استان خراسان در زمان حضور نیروی کار افغانی، ۷/۳۵ خانوار بوده است. با توجه به معنیدار بودن آزمون ۲٪ می‌توان فرضیه تشدید مهاجرت خانوارهای روستایی را که برخاسته از حضور کارگران کشاورزی افغانی است؛ پذیرفت.

### جدول شماره ۳. ارزیابی مهاجرت روستاییان در زمان حضور

#### نیروی کار افغانی

٪	میزان مهاجرت					انجام مهاجرت		فرآوانی
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	٪	بلی	
	۲	۱۲	۵۸	۳۰	۲۲	۴۴	۱۱۶	
	۱/۶	۹/۷	۴۶/۸	۲۴/۲	۱۷/۷	۲۷/۵	۷۲/۵	درصد
۷۳/۴۱*						۳۲/۴*		

\*: معنیدار در سطح یک درصد

#### ۴. کارایی و بهره‌وری

کارایی و بهره‌وری دو عامل مهم و اساسی در سنجش رشد کشاورزی است. بر همین اساس کارایی، عامل اساسی در رشد بهره‌وری کشاورزی به شمار می‌رود. تعریف کارایی



عبارت است از: ارزش ستانده به ارزش نهاده. با محاسبه کارایی می توان گفت که واحدهای کشاورزی در چه وضعیتی قرار دارند. به دیگر سخن، میزان اختلاف میان کاراترین و ضعیفترین واحد کشاورزی و در نتیجه پتانسیل موجود برای افزایش کارایی مشخص می شود. بهره‌وری نیز میزان ستانده به دست آمده از هر واحد نهاده را نشان می دهد. افزایش کارایی و بهره‌وری واحدها می تواند به افزایش درآمدها، کاهش هزینه‌ها و در نتیجه افزایش سودآوری واحدها منجر شود.

به طور مشخص، اساس تحلیل و کمی سازی کارایی و بهره‌وری، برآورد تابع تولید (مرزی) است. ولی در این مطالعه به دلیل دسترسی نداشتن به اطلاعات داده و ستانده واحدهای کشاورزی مورد مطالعه در زمان حضور نیروی کار افغانی، امکان کمی سازی این دو معیار وجود نداشت. بنابراین از شاخصهای کیفی متعددی مانند کیفیت (درجه) محصول تولیدی، میزان تولید محصول (عملکرد در هکتار)، کاهش میزان استفاده از نهاده‌ها، میزان ضایعات محصول، کاهش به کارگیری نیروی کار و تنوع محصولات تولیدی استفاده شد تا با بهره‌گیری از طیف لیکرت، دو عامل پیشگفته تا حد زیادی کمی شود. نتایج مربوط به بررسی این شاخصها در جدول شماره ۴ آمده است و در اینجا نیز به آنها اشاره می شود.

۱.۴. کیفیت (درجه) محصول تولیدی: کیفیت محصول تولیدی یکی از شاخصهای تعیین کننده کارایی و بهره‌وری واحدهای کشاورزی است. بالا بودن کیفیت محصول تولیدی نشان می دهد که عملیات مربوط به کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی به گونه‌ای مطلوب انجام گرفته است؛ در نتیجه، محصول با قیمت بالاتری در بازار عرضه شده و در پی آن سودآوری واحد نیز افزایش می یابد. براساس اطلاعات جدول شماره ۴، ۱۷/۷ درصد از واحدها تأثیر نیروی کار افغانی بر کیفیت محصول تولیدی را مثبت، ۱۱/۴ درصد منفی و ۷۰/۹ درصد نیز بی اثر ارزیابی کرده‌اند. همچنین آماره<sup>۲</sup> وجود اختلاف معنیداری را در این زمینه نشان می دهد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که نیروی کار افغانی بر کیفیت محصول تولیدی تأثیر چندانی ندارد.

۲.۴. میزان تولید محصول: میزان محصول تولیدی در واحدهای کشاورزی به عوامل متعددی بستگی دارد که یکی از مهمترین آنها نیروی کار است. در صورتی که نیروی کار هماهنگی لازم را در امور مزرعه داشته باشد، این هماهنگی می تواند روی میزان محصول تولیدی تأثیر بگذارد. بنابراین، نوع نیروی کار به کار رفته در واحدهای کشاورزی، بر عملکرد در هکتار تأثیر خواهد داشت. جدول شماره ۴ نشان می دهد که ۲۸/۶ درصد از مدیران واحدهای کشاورزی تأثیر نیروی کار افغانی را بر عملکرد در هکتار مثبت، ۱۳ درصد منفی و ۵۸/۴ درصد بی اثر ارزیابی کرده اند. همچنین آزمون<sup>۲</sup> فرضیه مؤثر بودن نیروی کار افغانی بر عملکرد در هکتار محصول تولیدی را رد می کند.

۳.۴. کاهش میزان استفاده از نهاده ها: اصولاً در کشاورزی کشورهای در حال توسعه، عملیاتی مانند بذرپاشی، کودپاشی، سمپاشی و آبیاری از سوی نیروی کار انجام می گیرد. بنابراین، نقش آن در استفاده بهینه از نهاده ها و مدیریت منابع بسیار مهم است. این مهم یکی از مفاهیم توسعه پایدار کشاورزی به شمار می رود. از سوی دیگر، دیدگاهی وجود دارد که معتقد است در این فرایند، مدیریت نقش اساسی را ایفا می کند و عملاً نیروی کار، اعم از داخلی و خارجی، تأثیری بر میزان استفاده از نهاده ها ندارد. برای آزمون این دیدگاه، تأثیر نیروی کار افغانی بر کاهش مصرف نهاده ها بررسی شد که نتایج مربوط به آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است. بر اساس اطلاعات نگاشته شده در این جدول، ۱۲/۸ درصد از میزان واحدهای کشاورزی مورد مطالعه استان خراسان، تأثیر نیروی کار مهاجر افغانی را بر کاهش استفاده از نهاده ها مثبت، ۲۸/۲ درصد منفی و ۵۹ درصد بی اثر ارزیابی کرده اند. همچنین آماره آزمون<sup>۲</sup> نشان می دهد که نیروی کار مهاجر افغانی بر کاهش میزان استفاده از دیگر نهاده ها تأثیر چندانی ندارد؛ در واقع کمک چندانی به توسعه پایدار کشاورزی نمی کند.

۴.۴. میزان ضایعات محصولات: ضایعات محصولات کشاورزی یکی از مشکلات اصلی کشاورزی است. وجود ضایعات بالا در کشاورزی افزون بر کاهش میزان تولید و هدردادن منابع، نشاندهنده کارایی پایین واحدها و مدیریت ضعیف مزرعه است. در بروز پدیده ضایعات عواملی مانند حمله آفتها و بیماریها، تنظیم نادرست ماشینهای کاشت و برداشت و نیروی کار دخالت دارد. بدیهی است در کشاورزی سنتی که عمل برداشت به وسیله نیروی کار انجام می‌گیرد، نقش این عامل در رخدادن پدیده ضایعات شایان توجه خواهد بود. نبود مهارت بسنده در برداشت محصول، عامل اصلی بروز این پدیده است. همچنین در مراحلی چون کنترل آفتها و بیماریها نقش این عامل در خور توجه است.

اطلاعات نگاشته شده در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که  $10/3$  درصد از مدیران تأثیر کارگران کشاورزی را بر میزان ضایعات مثبت،  $28/2$  درصد منفی و  $61/5$  درصد بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند. چنانکه ملاحظه می‌شود بیشتر واحدهای مورد مطالعه، نقش نیروی کار افغانی را در بروز ضایعات و میزان آن بی‌تأثیر دانسته‌اند. همچنین آزمون  $\chi^2$  ( $63/38 = \chi^2$ ) نشان می‌دهد که نیروی کار افغانی بر میزان ضایعات واحدها تأثیر چندانی ندارد.

۵.۴. کاهش به کارگیری نیروی کار: رشد مکانیزاسیون در بخش کشاورزی سبب استفاده کمتر از نیروی کار می‌شود. ولی از راه افزایش بهره‌وری نیروی کار این امکان وجود دارد که بتوان بدون مکانیزاسیون کشاورزی نیروی کار به کار رفته در مزرعه را کاهش داد. در شرایطی که بهره‌وری نیروی کار افزایش یابد، نیروی کار کمتری همان محصول قبلی را تولید می‌کند؛ این امر، مفهوم کارایی تولید است. بهره‌وری نیروی کار، از راه آموزش افزایش می‌یابد، ولی باید گفت که نوع و جنسیت نیروی کار نیز بر آن تأثیر دارد. یکی از فرضهای مطرح در زمینه نیروی کار مهاجر خارجی، بیشتر بودن بهره‌وری آنها نسبت به نیروی کار داخلی است. به همین دلیل مدیران واحدهای کشاورزی تمایل به جذب آنها دارند.

براساس اطلاعات جدول شماره ۴ می‌توان گفت که  $53/8$  درصد از مدیران واحدهای

کشاورزی مورد مطالعه، تأثیر کارگران کشاورزی افغانی را بر کاهش به کارگیری نیروی کار مثبت، ۲۶/۹ درصد منفی و ۱۹/۲ درصد بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند. نکته دیگر اینکه آماره ۲ این فرضیه را که کارگران کشاورزی افغانی بر کاهش به کارگیری نیروی کار مؤثرند، تأیید می‌کند.

۶.۴ تنوع محصولات تولیدی: تنوع محصولات تولیدی می‌تواند یکی از شاخصهای کارایی واحدهای کشاورزی باشد. تنوع محصولات کشاورزی افزون بر فراهم کردن محصولات خانوار، سبب تخصیص بهینه منابع، عوامل تولید و کاهش ریسک تولید می‌شود. از آنجا که مدیریت محصولات متنوع، پیچیده‌تر از محصولی واحد است؛ بنابراین، تمامی عوامل باید به طور بهینه تخصیص یابند تا بالاترین کارایی به دست آید. وجود نیروی کار کشاورزی با تجربه و متخصص از عواملی است که سبب می‌شود این تخصیص به صورت مطلوب‌تر انجام گیرد.

در مطالعه حاضر یکی از فرضها این بود که کارگران کشاورزی افغانی تنوع محصولات واحدهای کشاورزی را افزایش می‌دهند. برای آزمون این فرضیه تأثیر کارگران کشاورزی افغانی بر تنوع محصولات تولیدی بررسی شد. نتایج به دست آمده از این بررسی (جدول شماره ۴) نشان می‌دهد که حضور نیروی کار افغانی در ۱۷/۹ درصد از واحدهای مورد مطالعه، به افزایش تنوع محصولات تولیدی و در ۱۶/۷ درصد واحدها به کاهش تنوع محصولات تولیدی منجر شده و در ۶۵/۴ درصد واحدها هیچ گونه اثری بر تنوع نداشته است. همچنین آماره ۲ وجود اختلاف آماری را در این زمینه نشان می‌دهد. بنابراین، نتیجه می‌شود که نیروی کار افغانی بر تنوع محصولات تولیدی تأثیر نداشته است.

جدول شماره ۴. تأثیر نیروی کار افغانی بر ابعاد بهره‌وری و کارایی کشاورزی

گزینه‌ها							نوع اثر	درجه تأثیر مثبت
تولیدی	تولیدی	تولیدی	تولیدی	تولیدی	تولیدی	تولیدی		
فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی		
۲۸	۸۴	۱۶	۲۰	۴۴	۲۸	۲۸	مثبت	
۱۷/۹	۵۳/۸	۱۰/۳	۱۲/۸	۲۸/۶	۱۷/۷	۱۷/۷	درصد	
۲۶	۴۲	۴۴	۴۴	۲۰	۱۸	۱۸	منفی	
۱۶/۷	۲۶/۹	۲۸/۲	۲۸/۲	۱۳	۱۱/۴	۱۱/۴	درصد	
۱۰۲	۳۰	۹۶	۹۲	۹۰	۱۱۲	۱۱۲	بی‌اثر	
۶۵/۴	۱۹/۲	۶۱/۵	۵۹	۵۸/۴	۷۰/۹	۷۰/۹	درصد	
۷۲/۱۵*	۳۰/۹۲*	۶۳/۳۸*	۵۱/۷*	۴۹/۲۹*	۱۰/۱۲*	۱۰/۱۲*	χ <sup>۲</sup>	
۲	۱	-	-	۱	۱	۱	خیلی کم	
۱۵/۴	۷/۷	-	-	۴/۸	۸/۳	۸/۳	درصد	
۱	-	۱	۲	۱	۱	۱	کم	
۷/۷	-	۱۶/۷	۲۸/۶	۴/۸	۸/۳	۸/۳	درصد	
۴	۶	۲	۳	۹	۶	۶	متوسط	
۳۰/۸	۴۶/۲	۳۳/۳	۲۲/۹	۴۲/۹	۵۰	۵۰	درصد	
-	۲	۱	۱	۸	۳	۳	زیاد	
-	۱۵/۴	۱۶/۷	۱۴/۳	۳۸/۱	۲۵	۲۵	درصد	
۶	۴	۲	۱	۲	۱	۱	خیلی زیاد	
۴۶/۲	۳۰/۸	۳۳/۳	۱۴/۳	۹/۵	۸/۳	۸/۳	درصد	

ادامه در صفحه بعد

## ادامه جدول شماره ۴

گزینه‌ها								درجه تأثیر منفی
کیفیت محصول تولیدی	عملکرد در هکتار	کاهش مصرف نهاده‌ها	میزان ضایعات	کاهش کارگیری نیروی کار	کاهش به تنوع محصولات تولیدی	تنوع		
۱	۱	۳	۱	۲	۲	۲	خیلی کم	فراوانی ۱۴/۳ درصد ۱۱/۲
۲	۲	۴	۶	۷	۷	۷	کم	فراوانی ۲۸/۶ درصد ۴۴/۴
۳	۳	۸	۸	۱۱	۱۱	۳	متوسط	فراوانی ۵۷/۱ درصد ۴۴/۴
۴	۴	۱	۵	-	-	-	زیاد	فراوانی ۴/۸ درصد ۲۳/۸
۵	۵	۱	۱	-	۱	-	خیلی زیاد	فراوانی ۴/۸ درصد ۴/۸

\* معیندار در سطح یک درصد

اطلاعات جدول شماره ۵ میانگین شاخصهای کارایی و بهره‌وری و شاخص کل واحدها را در حضور نیروی کار افغانی نشان می‌دهد. براساس اطلاعات نگاشته شده در این جدول، شاخصهای کاهش به کارگیری نیروی کار و عملکرد در هکتار به ترتیب با ۲۱ و ۲۲ درصد دارای بیشترین مقدار و شاخص کاهش میزان استفاده از نهاده‌ها با ۱۳ درصد دارای کمترین مقدار بوده است. میانگین کل شاخص بهره‌وری و کارایی در واحدهای مورد مطالعه در حضور نیروی کار افغانی، ۱۷/۱ درصد شده است که نشان می‌دهد یک پتانسیل ۸۲/۹ درصدی برای افزایش بهره‌وری و کارایی وجود دارد. بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که کارگران کشاورزی افغانی تأثیر بسیار اندکی بر کارایی و بهره‌وری واحدهای مورد مطالعه داشته‌اند. به دیگر سخن، بازگشت آنها تأثیر چندانی برجای نخواهد گذاشت.

## جدول شماره ۵. شاخصهای بهره‌وری و کارایی کشاورزی در زمان حضور نیروی کار افغانی

واحد: درصد

شاخص	گزینه‌ها
۱۴	کیفیت محصول تولیدی
۲۲	میزان تولید محصول (عملکرد در هکتار)
۱۳	کاهش میزان استفاده از نهاده‌ها
۱۴	میزان ضایعات محصول
۲۱	کاهش به کارگیری نیروی کار
۱۹	تنوع محصولات تولیدی
۱۷/۱	میانگین کل

### ۵. بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی

با توسعه فن آوری و استفاده از آن در بخش کشاورزی، همراستا با افزایش سریع عرضه و تقاضا برای محصولات کشاورزی، روز به روز بر اهمیت بازاریابی افزوده شده است تا آنجا که امروزه بازاریابی این محصولات دارای اهمیت هر دیف با تولید آنهاست. حتی در کشورهای در حال توسعه می‌توان ادعا کرد که بازاریابی مقوله‌ای مهم‌تر از تولید است (۳ و ۲). با توجه به اهمیت بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی، تأثیر کارگران کشاورزی افغانی بر سه مقوله میزان عرضه محصول به بازار، اشتغال در مسیر بازاریابی و کاهش هزینه‌های بازاریابی مورد بررسی قرار گرفته که نتایج مربوط به هریک از این گزینه‌ها در جدول شماره ۶ ارائه شده است و در زیر نیز به آنها اشاره می‌شود:

۱.۵. میزان عرضه محصول به بازار: در واحدهای کوچک کشاورزی، تولید برای خود مصرفی است؛ ولی در واحدهای بزرگ تولید جنبه تجاری داشته و بیشتر برای عرضه به بازار انجام می‌گیرد. هرچقدر کشتزارها بیشتر توسعه یابند و از فن آوری پیشرفته‌تر استفاده کنند، تولید بیشتر و اهمیت بازاریابی، به دلیل عرضه فراوانتر محصول به بازار، زیادتر می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه نیروی کار افغانی مکانیزاسیون کشاورزی را به تعویق می‌اندازد، باید بر روند میزان عرضه محصول به بازار نیز تأثیر منفی داشته باشد. برای آزمون این روند، دیدگاه مدیران واحدهای مورد مطالعه ارزیابی شد. در این راستا نتایج مربوط در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که  $53/8$  درصد از مدیران واحدهای کشاورزی مورد مطالعه بر این باورند که حضور نیروی کار افغانی تأثیری بر میزان عرضه محصول به بازار نداشته است و  $46/2$  درصد نیز حضور آنها را مؤثر دانسته‌اند. چنانکه ملاحظه می‌شود در مواردی که حضور نیروی کار افغانی بر میزان عرضه محصول به بازار مثبت ارزیابی شده است،  $6/4$  درصد میزان تأثیر را خیلی کم،  $10/3$  درصد کم،  $15/4$  درصد متوسط،  $10/3$  درصد زیاد و  $3/8$  درصد خیلی زیاد عنوان کرده‌اند. همچنین با توجه به آماره  $\chi^2$  می‌توان نتیجه گرفت که حضور نیروی کار افغانی در واحدهای کشاورزی تأثیر چندانی بر میزان عرضه محصول به بازار ندارد.

۲.۵. اشتغال در مسیر بازاریابی: اهمیت بازاریابی به اندازه‌ای است که در بسیاری از کشورها مانند آمریکا، اشتغال پدید آمده از مسیر بازاریابی محصولات کشاورزی بیش از اشتغال در عرصه تولید است. بدیهی است اشتغال ایجاد شده در مسیر بازاریابی به دلیل وجود مجموعه عملیات و خدماتی است که روی محصول انجام می‌گیرد. به بیان دیگر، واسطه‌ها، دلالها، تبدیل‌کنندگان، خرده فروشان، عمده فروشان و کسانی چون آنها، عواملی به شمار می‌آیند که در مسیر بازاریابی اشتغال دارند و هرکدام عملیاتی را روی محصولات انجام می‌دهند. آشکار است که این عوامل می‌توانند ایرانی یا افغانی باشند. از همین رو، تأثیر نیروی کار افغانی بر اشتغال در مسیر بازاریابی بررسی شده است. اطلاعات نگاشته شده در جدول شماره ۶ نشان



آثار حضور نیروی کار ...

می‌دهد که ۶۰/۵ درصد مدیران اعلام داشته‌اند نیروی کار افغانی هیچ اثری بر این گزینه نداشته است و ۳۹/۵ درصد نیز حضور کارگران کشاورزی را بر آن مؤثر ارزیابی کرده‌اند. همچنین آزمون  $\chi^2$  ( $\chi^2 = 157/73$ ) نشان‌دهنده این نکته مهم است که نیروی کار افغانی تأثیر چندانی بر اشتغال در مسیر بازاریابی ندارد.

۳.۵. کاهش هزینه‌های بازاریابی: عوامل بازاریابی موجود در روند بازاریابی محصولات کشاورزی عملیاتی را روی محصول انجام می‌دهند تا به دست مصرف‌کننده نهایی برسد. روشن است که این عوامل سبب افزایش هزینه‌های بازاریابی و در نتیجه افزایش قیمت مصرف‌کننده نهایی می‌شود. بنابراین ضرورت دارد مسیر بازاریابی مورد بررسی قرار گیرد تا عوامل زائد افزایش دهنده هزینه‌های بازاریابی حذف شود. در همین راستا نتایج به دست آمده از بررسی پیشگفته (جدول شماره ۶) نشان می‌دهد که ۵۴/۸ درصد از مدیران حضور نیروی کار افغانی را بر کاهش هزینه‌های بازاریابی بی‌اثر و ۴۵/۲ درصد آن را مؤثر دانسته‌اند. به دیگر سخن، آنها بر این باور بوده‌اند که با توجه به پایین بودن هزینه‌های کارگران افغانی (ارزان بودن هر عملیاتی که انجام می‌دهند و نوع آن عملیات)، هزینه‌های بازاریابی کاهش می‌یابد. همچنین آزمون  $\chi^2$  نشان می‌دهد که کارگران افغانی تأثیر چندانی بر کاهش هزینه‌های بازاریابی محصولات کشاورزی ندارند.

اطلاعات جدول شماره ۷ نتایج مربوط به جدول ۶ را تأیید می‌کند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود شاخص میزان عرضه محصول به بازار در حضور نیروی کار افغانی ۲۲ درصد، اشتغال در مسیر بازاریابی ۱۶ درصد و کاهش هزینه‌های بازاریابی ۱۷ درصد تعیین شده است. بنابراین، مشاهده می‌شود که مقدار این شاخصها بسیار پایین است به گونه‌ای که اشتغال در مسیر بازاریابی کمترین مقدار را داشته است. میانگین کل شاخص بازاریابی و بازاریابی محصول در زمان حضور نیروی کار افغانی نیز ۱۸ درصد است؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که نیروی کار افغانی تأثیر چندانی بر بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی ندارد.

## جدول شماره ۶ تأثیر حضور نیروی کار افغانی بر بازار سانی و بازاریابی محصول

واحد: درصد

٪	میزان تأثیر						گزینه‌ها						
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	بدون تأثیر							
	فراوانی درصد						فراوانی درصد						
۱۶۲/۴۶*	۳/۸	۶	۱۰/۳	۱۴	۱۵/۴	۲۴	۱۰/۳	۱۴	۶/۴	۱۰	۵۳/۸	۸۴	میزان عرضه محصول به بازار
۱۵۷/۸۳*	-	-	۶/۴	۱۰	۱۳/۲	۲۰	۹/۲	۱۴	۱۰/۵	۱۴	۶۰/۵	۹۲	استعمال در مسیر بازرسانی
۱۷۸/۶۵*	۱/۴	۲	۱/۴	۲	۱۲/۳	۱۸	۲۱/۹	۳۳	۸/۲	۱۲	۵۴/۸	۸۰	کاهش هزینه‌های بازاریابی برگرفته از انجام خدمات بازرسانی

\*: مستندار در سطح یک درصد

## جدول شماره ۷. شاخص بازاررسانی و بازاریابی محصول در زمان حضور نیروی کار افغانی

گزینه‌ها	شاخص
میزان عرضه محصول به بازار	۲۲
اشتغال در مسیر بازاریابی	۱۶
کاهش هزینه‌های بازاریابی برگرفته از انجام خدمات بازاررسانی	۱۷
میانگین کل	۱۸

### ۶. گزینه‌های ارزشی و رفتاری

مهاجرت نیروی کار خارجی اگرچه با هدف دستیابی به درآمدهای انتظاری بالاتر انجام می‌گیرد، ولی بار فرهنگی نیز به همراه خواهد داشت. با توجه به اینکه سکونت نیروی کار خارجی در مناطق تولید یکی از مؤلفه‌های جدید مهاجرت به شمار می‌آید، می‌توان انتظار داشت خانوارهای مهاجر بر مقوله‌هایی مانند رفتار و اخلاق فرزندان روستاییان، مناسبات تجاری، گسترش [احتیالی] مواد مخدر و مواردی از این دست، مؤثر باشند. بنابراین، حضور نیروی کار خارجی تنها حضور فیزیکی و اقتصادی نبوده، بلکه حضوری است که بر فرهنگ، اخلاق و دیگر ویژگی‌های ارزشی اثر خواهد داشت. با توجه به حضور نیروی کار افغانی در بخش کشاورزی استان خراسان، آثار این حضور بر گزینه‌های رفتاری و ارزشی مانند اخلاق و رفتار فرزندان روستاییان، روابط اجتماعی میان افراد درون روستا، گسترش مفاسد اجتماعی، گسترش مواد مخدر، مناسبات تجاری با ایرانیها و برقراری روابط خویشاوندی با ایرانیها، از دیدگاه مدیران واحدهای کشاورزی ارزیابی شده که نتایج مربوط به هریک از این گزینه‌ها در جدول شماره ۸ آمده است. در اینجا هریک از گزینه‌های پیشگفته به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۶. اخلاق و رفتار فرزندان روستاییان: بی گمان فرزندان کارگران کشاورزی افغانی در محیطهای آموزشی و عرصه روستا، با فرزندان روستاییان ارتباط دارند. از آنجا که فرزندان این کارگران در محیطی (خانواده و کشور) پرورش یافته‌اند که دارای فرهنگی متفاوت با ایران است، این تفاوت فرهنگی می‌تواند آثاری بر اخلاق و رفتار فرزندان روستاییان داشته باشد. اطلاعات جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که ۴۳/۷ درصد افراد مورد مطالعه، تأثیر حضور نیروی کار افغانی را بر اخلاق فرزندان روستاییان ایرانی بی‌اثر، ۸/۸ درصد مثبت و ۴۷/۵ درصد منفی ارزیابی کرده‌اند. همچنین از نظر رفتاری، ۳۷/۷ درصد آن را بی‌اثر، ۱۳ درصد مثبت و ۴۹/۴ درصد منفی عنوان کرده‌اند. چنانکه ملاحظه می‌شود درصد بیشتری از مدیران واحدهای مورد بررسی، حضور نیروی کار افغانی را بر اخلاق و رفتار فرزندان روستاییان منفی ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، فرضیه تأثیر منفی نیروی کار افغانی بر اخلاق و رفتار فرزندان روستاییان تأیید می‌شود.

۲.۶. روابط اجتماعی میان افراد درون روستا: از دیگر آثار حضور نیروی کار افغانی در عرصه روستا، تأثیری است که بر روابط اجتماعی میان افراد درون روستا دارند. این افراد می‌توانند در پدید آمدن درگیرهای درون روستا، برهم زدن روابط اجتماعی حاکم بر روستا و مواردی اینچنین نقش داشته باشند. در این زمینه دیدگاه مدیران واحدهای کشاورزی مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۲۹/۹ درصد، تأثیر حضور کارگران کشاورزی افغانی را بر روابط اجتماعی بی‌اثر، ۱۱/۷ درصد مثبت و ۵۸/۴ درصد منفی ارزیابی کرده‌اند. همچنین آماره ۲ اختلاف معنیداری را میان فراوانیهای مشاهده شده و مورد انتظار نشان می‌دهد. بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که نیروی کار افغانی بر روابط اجتماعی میان افراد درون روستا تأثیر منفی دارد.

۳.۶. گسترش مفاسد اجتماعی: با توجه به تفاوت فرهنگی، ممکن است نیروی کار افغانی سبب گسترش مفاسد اجتماعی شود. در این زمینه اطلاعات جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که ۳۷/۷ درصد، تأثیر حضور نیروی کار افغانی را بر گسترش مفاسد اجتماعی، بی‌اثر، ۳۷/۷ درصد مثبت و ۲۴/۶ درصد منفی ارزیابی کرده‌اند. همان طور که آماره ۲ نشان می‌دهد میان فراوانیها و نوع نگرش مدیران واحدهای کشاورزی، نسبت به تأثیر مثبت نیروی کار افغانی بر گسترش مفاسد اجتماعی، اختلاف معنیداری وجود دارد.

۴.۶. گسترش مواد مخدر: مهاجران افغانی ممکن است به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در گسترش مواد مخدر نقش داشته باشند. به دیگر سخن، آنها ممکن است به طور مستقیم در حمل و توزیع مواد مخدر و یا به طور غیرمستقیم در توزیع مواد مخدر در روستاها دخالت کنند؛ بنابراین، حضور آنها از این نظر نیز دارای اهمیت است. بر همین اساس ۳۳/۸ درصد از مدیران کشاورزی این جنبه از حضور کارگران کشاورزی افغانی را بی‌اثر، ۴۲/۸ درصد مثبت و ۲۳/۴ درصد منفی ارزیابی کرده‌اند. همچنین با توجه به آزمون ۲ می‌توان نتیجه گرفت که کارگران کشاورزی افغانی در گسترش مواد مخدر نقش مثبت دارند.

۵.۶. مناسبات تجاری با ایرانیها: مناسبات تجاری با ایرانیها از دیگر جنبه‌های حضور کارگران افغانی در هر روستاست که پیشتر در مبحث گزینه‌های رفتاری و ارزشی بررسی شد. در این زمینه اطلاعات جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که ۵۵/۶ درصد حضور کارگران افغانی را بر مناسبات تجاری بی‌اثر، ۱۹/۴ درصد مثبت و ۲۵ درصد منفی ارزیابی کرده‌اند. همچنین با توجه به اختلاف آماری موجود ( $\chi^2 = 32/66$ ) در سطح یک درصد می‌توان گفت که کارگران کشاورزی افغانی بر مناسبات تجاری با ایرانیها تأثیر می‌گذارند.

۶۶ روابط خویشاوندی با ایرانیها: از آنجا که خانواده‌های کارگران مهاجر افغانی در روستاها سکونت می‌یابند، این سکونت و در پی آن روابط اجتماعی با روستاییان ممکن است از راه ازدواج به ایجاد روابط خویشاوندی با ایرانیها منجر شود. اطلاعات جدول شماره ۸ وضعیت گزینه پیشگفته را در ارتباط با کارگران کشاورزی افغانی نشان می‌دهد. براساس اطلاعات نگاشته شده در این جدول، ۴۴/۲ درصد حضور کارگران کشاورزی افغانی را بر رخداد ازدواج (ایرانی - افغانی) بی‌اثر، ۲۸/۵ درصد مثبت و ۲۷/۳ درصد منفی ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که کارگران افغانی تأثیر چندانی بر ایجاد روابط خویشاوندی با ایرانیها ندارند.

اطلاعات جدول شماره ۹ وضعیت گزینه‌های هفتگانه رفتاری و ارزشی را به صورت شاخص نشان می‌دهد. همان گونه که ملاحظه می‌شود، کارگران مهاجر افغانی در برقراری روابط خویشاوندی با ایرانیها (۲ درصد) تأثیر مثبت داشته‌اند. این در حالی است که اثر آنها بر دیگر گزینه‌ها منفی ارزیابی شده است. به دیگر سخن، آثار مهاجران افغانی بر این مقوله‌ها به گونه‌ای بوده که تأثیر منفی بر جای گذاشته است. نتایج جدول یاد شده همچنین نشان می‌دهد که این کارگران در گسترش مواد مخدر و مفاسد اجتماعی به ترتیب با مقدار ۳۳ و ۲۴ درصد مؤثر بوده‌اند. شاخص کل نیز نشان داده است که در مجموع، کارگران افغانی بر مقوله‌های ارزشی رفتاری تأثیر منفی داشته‌اند.



## جدول شماره ۹. شاخصهای رفتاری و ارزشی در زمان حضور نیروی کار افغانی

واحد: درصد

شاخص	گزینه‌ها
*۳۵-	تأثیر بر فرزندان از نظر اخلاقی
-۲۷	تأثیر بر فرزندان از نظر رفتاری
-۲۲	تأثیر بر روابط اجتماعی میان افراد درون روستا
-۲۴	گسترش مفاسد اجتماعی
-۳۳	گسترش مواد مخدر
-۱۳	مناسبات تجاری با ایرانیها
+۲	برقراری روابط خویشاوندی با ایرانیها
-۲۱/۷	کل

\*: علامت منفی نشاندهنده تأثیر مثبت بر بدتر شدن شاخص است.

### ۷. کیفیت زندگی روستاییان

نیروی کار مهاجر، همیشه بیشترین بخش درآمد به دست آمده از کار را به خود روستا باز می‌گرداند (۴). افزون بر آنکه دستمزدهای پایین آنها نیز درآمد مازادی را برای مدیران پدید می‌آورد، بنابراین با توجه به دو مؤلفه پیشگفته، حضور آنها باید بر کیفیت زندگی تأثیر مثبت داشته باشد. بی‌گمان کیفیت زندگی در چنین شرایطی با بازگشت نیروی کار مهاجر کاهش خواهد یافت. از آنجا که امکان مقایسه کمی کیفیت زندگی در دو مقطع زمانی حضور و بازگشت نیروی کار افغانی وجود نداشته است، بنابراین برای بررسی مقوله پیشگفته از شاخصهای چهارگانه درآمد، امنیت زندگی، بهداشت و تسهیلات زندگی استفاده شده است. در این زمینه از مدیران واحدهای کشاورزی مورد مطالعه پرسیده شد که اولاً شاخصهای چهارگانه یادشده در کدامیک از مقاطع زمانی (حضور داشتن یا نداشتن کارگران کشاورزی افغانی) وضعیت مطلوبتری داشته است و در ثانی اختلاف موجود در شاخص چقدر است؟ نتایج به دست آمده از این ارزیابی در جدول شماره ۱۰ خلاصه و در قسمت بعد نیز هر یک از این شاخصها به طور جداگانه بررسی شده



است.

۱.۷. درآمد: پیشتر فرض شد که درآمد واحدهای کشاورزی در زمان حضور نیروی کار مهاجر بیش از زمان بازگشت است، زیرا دستمزد نیروی کار مهاجر در مقایسه با نیروی کار داخلی کمتر است. بر همین اساس اطلاعات جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که  $63/6\%$  درصد از مدیران واحدهای مورد مطالعه درآمد خود را در زمان بازگشت نیروی کار افغانی و  $36/4\%$  درصد در زمان حضور نیروی کار افغانی بهتر دانسته‌اند. بنابراین، فرض پیشگفته نقض می‌شود. علت این پدیده را می‌توان افزایش سطح مکانیزاسیون در زمان بازگشت کارگران افغانی، کاهش هزینه و نیز افزایش قیمت محصولات کشاورزی دانست. چنانکه ملاحظه می‌شود، اختلاف موجود در این شاخص، در دو مقطع زمانی، در خور توجه نیست. در این زمینه  $11/3\%$  درصد اختلاف موجود را خیلی کم،  $26/4\%$  درصد کم،  $28/3\%$  درصد متوسط،  $18/9\%$  درصد زیاد و  $15/1\%$  درصد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین آماره ۲ اختلاف معنیداری را در این باره نشان می‌دهد.

۲.۷. امنیت زندگی: نیروی کار مهاجر افغانی، فرهنگی متفاوت با ایرانیان دارند. تأمین نکردن هزینه‌ها تا زمان پیدا کردن کار از سوی خانواده‌هایی که نیروی کار را به کشور دیگر می‌فرستند، ممکن است بر امنیت زندگی خانوارها تأثیر بگذارد. افزون بر آنکه پیشینه کارگران افغانی می‌تواند وضعیت پیشگفته را شدت دهد.

اطلاعات به دست آمده در زمینه تأثیر نیروی کار افغانی (حضور داشتن یا نداشتن) بر وضعیت زندگی (جدول شماره ۱۰) نشان‌دهنده این واقعیت مهم است که با بازگشت کارگران افغانی سطح امنیت زندگی افزایش یافته است به طوری که  $81/8\%$  درصد افراد مورد مطالعه آن را تأیید کرده‌اند. نکته دیگر اینکه، اختلاف موجود در این شاخص نیز بالاست، به طوری که نزدیک به  $64/8\%$  درصد افراد، اختلاف پیشگفته را از متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند. همچنین آزمون وجود اختلاف معنیدار میان فراوانیها با بهره‌گیری از  $\chi^2$  انجام شده که این موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهد.

۳.۷. بهداشت: بهداشت نیز از مقوله‌هایی است که بیشتر در گفتار کیفیت زندگی بررسی شد. در همین زمینه یادآوری می‌شود که با سکونت کارگران کشاورزی افغانی در روستاها، جمعیت روستا و در پی آن جمعیت کشور افزایش می‌یابد. ناگفته پیداست که نتیجه این پدیده کاهش یافتن استانداردهای بهداشتی همچون پزشکی، بیمارستان، دارو و دیگر موارد است. در واقع با بهره‌مند شدن این گروه از امکانات بهداشتی، از نظر اجتماعی نیز رفاه جامعه (در زمینه بهداشت) کاهش می‌یابد. افزون بر آن، حضور کارگران افغانی در روستاها ممکن است سبب پایین آمدن سطح بهداشت از راه گسترش بیماری‌های جدید و رعایت نکردن بهداشت فردی شود. نتایج به دست آمده از مقایسه سطح بهداشت در دو مقطع زمانی حضور و بازگشت کارگران افغانی نشان می‌دهد ۸۸ درصد از افراد اعلام داشته‌اند که با بازگشت مهاجران افغانی سطح بهداشت بهبود یافته است، در حالی که تنها ۱۲ درصد وضعیت بهداشت را در زمان حضور مطلوبتر از زمان بازگشت ارزیابی کرده‌اند. همچنین براساس مقدار آماره  $\chi^2$  می‌توان نتیجه گرفت که یکی از پیامدهای بازگشت مهاجران افغانی، بهبود سطح بهداشت (فردی - اجتماعی) است.

۴.۷. تسهیلات زندگی: به نظر می‌رسد تسهیلات زندگی در شرایط حضور کارگران کشاورزی باید وضعیت بهتری داشته باشد. در همین راستا اطلاعات جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که با بازگشت کارگران افغانی کیفیت زندگی وضعیت مطلوبتری یافته است، به گونه‌ای که ۸۵/۵ درصد از افراد مورد مطالعه آن را تأیید کرده و تنها ۱۴/۵ درصد وضعیتی عکس آن را اظهار کرده‌اند. همچنین با توجه به مقدار آماره  $\chi^2$  ( $\chi^2 = 76/73$ )، نتیجه یاد شده به کل جامعه آماری تعمیم‌پذیر است. اختلاف موجود در شاخص در دو وضعیت پیشگفته از سوی ۱۶/۷ درصد خیلی کم، ۲۴/۱ درصد کم، ۲۵/۹ درصد متوسط، ۱۱/۱ درصد زیاد و ۲۲/۲ درصد خیلی زیاد ارزیابی شده است.

اطلاعات جدول شماره ۱۱، به طور خلاصه، شاخص اختلاف در کیفیت زندگی را در دو مقطع زمانی نشان می‌دهد. براساس اطلاعات این جدول شاخص درآمد، امنیت زندگی و

آثار حضور نیروی کار ...

تسهیلات زندگی ۶۰ درصد و شاخص بهداشت ۵۸ درصد است. متوسط شاخص کیفیت زندگی نیز ۵۹ درصد است. به دیگر سخن، با بازگشت مهاجران افغانی، شاخصهای چهارگانه پیشگفته به طور متوسط ۵۹ درصد بهبود یافته است. بنابراین، نتیجه گیری می شود که کیفیت زندگی روستاییان در زمان بازگشت نیروی کار افغانی افزایش پیدا کرده است.

در مجموع با توجه به آنچه گفته شد، نتیجه می شود که حضور نیروی کار کشاورزی افغانی عملاً مهاجرت نیروی کار کشاورزی خانوادگی را در پی نداشته ولی زمینه مهاجرت خانوارهای روستایی بدون زمین (کارگران کشاورزی) را فراهم آورده است. افزون بر آن، این حضور تأثیر چندانی بر شاخصهای بهره‌وری و کارایی و بازاریابی و بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی نداشته ولی بر گزینه‌های ارزشی، رفتاری و کیفیت زندگی تأثیر منفی داشته است. بنابراین در یک جمع بندی می توان گفت که برآیند آثار حضور کارگران کشاورزی افغانی بر جامعه کشاورزی استان خراسان منفی بوده است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می دهد که خروج کامل کارگران کشاورزی افغانی و خانوارهای آنها از عرصه روستا و بخش کشاورزی به منظور ایجاد امنیت و آرامش، جلوگیری از مفاسد اجتماعی و مسخ ارزشها و نیز ساماندهی نیروی کار کشاورزی داخلی امری ضروری است.

جدول شماره ۱۰. گزینه‌های کیفیت زندگی در دو مقطع زمانی حضور و بازگشت نیروی کار افغانی

گزینه‌ها	وضعیت بهتر در زمان				اختلاف موجود در شاخص							
	حضور	بازگشت	٪*	فرواق درصد	خیل کم	کم	متوسط	زیاد	خیل زیاد			
سلاح درآمد	۵۶	۹۸	۶۳/۶*	فرواق درصد	۱۲	۱۱/۲	۲۸	۲۸/۲	۱۶	۱۸/۹	۱۵/۱	۱۱/۱۴*
اهیت زندگی	۲۸	۱۲۶	۸۱/۸*	فرواق درصد	۱۸	۱۶/۷	۳۶	۱۸/۵	۲۳	۱۱/۱	۲۳	۲۰/۴*
هدایت	۱۸	۱۳۲	۸۸*	فرواق درصد	۲۴	۲۲/۶	۳۰	۲۸/۲	۹/۴	۱۰	۱۳/۲	۲۶/۴*
تسهیلات زندگی	۲۲	۱۴/۵	۸۵/۵*	فرواق درصد	۱۸	۱۶/۷	۲۶	۲۴/۱	۱۱/۱	۱۲	۲۵/۹	۲۳/۲*

\* : همبیار در سطح یک درصد

جدول شماره ۱۱. شاخص کیفیت زندگی در زمان بازگشت نیروی کار  
افغانی نسبت به زمان حضور آنها

واحد: درصد

شاخص	گزینه‌ها
۶۰	سطح درآمد
۶۰	امنیت زندگی
۵۸	بهداشت
۶۰	تسهیلات زندگی
۵۹	کل

### سیاسگزاری

هزینه انجام این طرح از محل اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه فراهم شده است. بدینوسیله از شورای پژوهشی دانشگاه و دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد تشکر و قدردانی می‌شود.

## منابع

۱. قربانی، م (۱۳۷۳)، رکود در بازار مرکبات، پیامدها و راه‌حلهای در استان مازندران، سمینار بازاریابی و صادرات مرکبات در ایران، مازندران، دانشگاه مازندران.
۲. قربانی، م (۱۳۷۸)، بررسی بازاریابی و بازررسانی صنایع دستی استان مازندران با تأکید بر گلیم و جاجیم، تهران، معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی وزارت جهاد سازندگی.
۳. ماهر، ف (۱۳۷۲)، مهاجرت، قانونمندیها، دیدگاهها. نگاهی جامعه شناختی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول، شماره ۱.
4. Cornelius, W.A. (1987), Mexican migration to the United States: Causes, consequences and U.S responses. MIT center for international studies, migration and development monograph, 78-79.
5. Dufresne, L. and U, Locher (1995), The mayas and cancun: migration under conditions of peripheral urbanization. Labour-Capital and Society, 176-202.
6. Taylor, J.E. (1987), Undocumented Mexico U.S. migration and returns to households in rural Mexico. *American Journal of Agricultural Economics*, 626-638.
7. Todaro, M.P. (1980), Internal migration in developing countries: A survey Population and Economic change in Developing countries, University of Chicago Press.